

## مفهوم‌سازی مسئولیت اجتماعی دانشگاه در ایران

مریم برادران حقیر\*، نسرين نورشاهی و احمد رضا روشن<sup>۳</sup>

### چکیده

هدف این پژوهش مفهوم‌سازی مسئولیت اجتماعی دانشگاه در کشور ایران بود. از آنجا که مسئولیت اجتماعی دانشگاه مانند سایر مفاهیم انسانی و اجتماعی به ویژگی‌های زمینه خود وابسته است، برای فهم مسئله مسئولیت اجتماعی دانشگاه در موقعیت ایران و با شرایط خاصی که دارد، روش کیفی مبتنی بر نظریه بر پایه اشتراوس-کوربین راهنمای شناخت شرایط علی، پدیده کانونی، زمینه‌های مؤثر و متغیرهای مداخله کننده در مسئولیت اجتماعی دانشگاه، راهبردها و روش‌های اعضای هیئت علمی، فرایندها و پیامدهای آن قرار گرفت. در نمونه هدفمند ۵۰ نفر از اعضای هیئت علمی، دانشجویان دکتری، خبرگان آموزش عالی، مدیران دانشگاهی و سیاست‌گذاران آموزش عالی، فعالان غیرهیئت علمی نهادهای مدنی، فعالان در انجمن علمی، شوراها و نهادهای فرهنگی اجتماعی با ۱۷ نفر به صورت فردی مصاحبه عمیق اکتشافی شد و برای تکمیل داده‌ها ۳ گروه کانونی شکل گرفت که در مجموع، ۳۳ نفر حضور داشتند. نتایج پژوهش از تحلیل داده‌ها در قالب مدلی ارائه و راهبردها در سه سطح کلان (دولت)، میانی (مدیریت دانشگاه) و خرد (اعضای هیئت علمی) مشخص شد. در نهایت، تعریف مسئولیت اجتماعی دانشگاه به عنوان نهاد اجتماعی ارائه شد. آنچه مسلم است، چنین انتظار هنجاری که می‌تواند به توسعه پایدار و افزایش کیفیت زندگی و احقاق حقوق و کاهش مرارت‌های بشری بینجامد، بدون مشارکت همه‌جانبه ذینفعان درونی و بیرونی تحقق‌پذیر نیست.

**کلیدواژگان:** مسئولیت اجتماعی دانشگاه، دانشگاه مدنی، توسعه پایدار، نظریه برپایه.

۱. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

\* نویسنده مسئول: baradaran@isu.ac.ir

۲. استادیار گروه نوآوری آموزشی و درسی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران، ایران: nooran@irphe.ir

۳. استادیار گروه مطالعات مدیریت آموزش عالی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران، ایران: roshan1390@ut.ac.ir

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۴/۲۸ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۸/۲۴

## مقدمه

با تغییر پارادایم توسعه و اهمیت توسعه پایدار، نقش دانشگاه نیز دچار تحول شده است و بر همین مبنای محورهای اقتصاد، جامعه و محیط زیست به مرور اهمیت ویژه یافته‌اند. دانشگاه‌ها علاوه بر نقش‌های پژوهشی و آموزشی و خدمات تخصصی، رسالت مسئولیت اجتماعی نیز برعهده دارند، چرا که «فلسفه وجودی دانشگاه تولید خیر عمومی و رفاه اجتماعی از طریق علم‌ورزی، علم‌آموزی و دانش‌پژوهی است و این را از تأمل در تاریخ دانشگاه نیز در می‌یابیم. اگر دانشگاه در منطق دولت یا در منطق اقتصادی، در منطق ثروت و منفعت ادغام بشود، هویت ذاتی که فرهنگی - اجتماعی است، از او سلب می‌شود؛ یعنی سرشت ساختی - کارکردی - تاریخی خود را از دست می‌دهد. اگر چهار موجودیت دولت، بازار، جامعه و دانشگاه را در نظر بگیریم و آنها را با هم مقایسه کنیم، هر یک تکنیکی دارند. تکنیک دولت قدرت است و این تکنیک وقتی مشروعیت پیدا می‌کند که قانونمند باشد، توافقی و نامتمرکز و منطقه‌ای بشود و در آن گردش قدرت، پرسش از قدرت، فضای عمومی برای نقد قدرت و آزادی و حقوق بشر وجود داشته باشد. تکنیک بازار منفعت است و وقتی مشروعیت دارد که در آن رقابت، برابری فرصت‌ها و کیفیت زندگی باشد و بازتوزیع بخت‌های زندگی و رفاه عمومی اجتماعی امکان‌پذیر شود و فاصله‌های طبقاتی فاحش نباشد. تکنیک جامعه مدنی کنش متقابل نمادین و خودبرازی افراد است. اما تکنیک دانشگاه علم‌آموزی، پی‌جویی حقیقت علمی، اکتشاف، اختراع، پرسشگری و تأمل و خدمات تخصصی علمی است» (Farasatkhan, 2017).

همان‌طور که برای مشروعیت هر سه موجودیت یادشده ملاکی وجود دارد، مشروعیت دانشگاه نیز با انجام دادن مسئولیت اجتماعی آن حاصل می‌شود و انتظار می‌رود دانش دانشگاه بر رفاه اجتماعی تأثیر داشته باشد، در توسعه و رفاه بشر و در پایداری زیست‌بوم سهمی داشته باشد و نقش خود را در پاسخگویی و فهم سفارش‌های خاموش اجتماعی انجام دهد. این امر از طریق احساس مسئولیت اجتماعی در هیئت علمی و مشارکت‌های داوطلبانه و غیرانتفاعی آنها تقویت می‌شود. تأکید می‌شود که «داوطلبانه بودن؛ یعنی رفتاری اجتماعی که منفعت آن به زیست‌بوم برسد و در یک مجموعه سازمانی رخ دهد. این داوطلبانه بودن صرفاً با یادگیری علمی ارتباط ندارد» (Hazelkorn, 2017).

بی‌توجهی دانشگاه به مسئولیت اجتماعی در هر یک از ابعاد آن نتایجی مخرب به دنبال دارد، از جمله نبود هوشمندی، نبود آموزش‌های اخلاقی و شهروندی، آموزش فقط برای استخدام، نبود پژوهش مبتنی بر نیاز اجتماعی، نبود پاسخگویی به اجتماع، نبود دموکراسی و شفافیت، سوءاستفاده‌های بازار کار و فقر در اقدامات محیط زیستی (Vallaey, 2015). بسیاری از این موارد در جامعه ایران قابل مشاهده است که ناشی از بی‌تفاوتی به مسئولیت اجتماعی دانشگاهیان است.

با توجه به تجارب جهانی، بخش مهمی از ضریب امنیت جامعه، پاسخگویی اجتماعی، کاهش هزینه‌های دولتی، کاهش مشکلات مدیریت شهری، رفع تعارضات اجتماعی، مبارزه با فقر و حتی توجه به نیازهای

ویژه (در قشر سالمندان، کودکان و نوجوانان و ...) در گرو توجه به مسئولیت اجتماعی دانشگاهی است. مسئولیت اجتماعی و شبکه‌های مربوط به‌عنوان سکوی ارتقای آن، نظام مدیریت پیشرو برای پیگیری پایداری است که در جهت حکمرانی دانشگاه، تدریس و یادگیری، پژوهش، خدمات اجتماعی و پایداری محیط زیست به آن توجه شده است. جهانی‌سازی، افزایش تحرک و توسعه برنامه درسی در بازار جهانی برای آماده کردن دانشجویان برای اشتغال و تأثیر دانشگاه در توسعه اقتصادی از عوامل کلیدی است که نیازمند شفافیت مفهومی و آگاهی از رویکردهای راهبردی است (Hollister, 2017).

شاید از آسیب‌های موجود بر وضعیت مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌های ایران، مسائل پیشین مانند سرمایه اجتماعی و استقلال دانشگاهی است. «غلبه پارادیم بنگاهداری و درآمدزایی بر دانشگاه سبب شده است تا مسئولیت اجتماعی دانشگاه و سرمایه اجتماعی آن مخدوش شود» (Farasatkah, 2016). طبق نتایج پژوهش بین سرمایه اجتماعی (که بر اعتماد و همبستگی روابط تأکید دارد) و مسئولیت اجتماعی رابطه مثبت معنادار وجود دارد (Ardalan, Ghanbari, Beheshtirad & Navid, 2013) و ابعاد استقلال دانشگاهی (سازمانی و علمی) می‌تواند مسئولیت اجتماعی را پیش‌بینی کند (Koumari, 2016). در پژوهشی دیگر (Iman & Jalalian, 2010) با این پیشفرض که مسئولیت اجتماعی می‌تواند رفتارهایی را ایجاد کند که در روابط با دیگران نتایج مثبت و موفقیت‌آمیزی داشته باشد و به احساس رضایت فردی و گروهی منجر شود و در صورت رعایت نشدن آن می‌تواند اعتماد بین انسان‌ها را کم‌رنگ سازد و موجب از بین رفتن روحیه همکاری و تعاون در میان افراد شود، رابطه مسئولیت اجتماعی با سرمایه اجتماعی بررسی شده است. نتایج رگرسیون چند متغیره داده‌ها که با پیمایش از ۳۸۶ جوان در رده سنی ۱۸ تا ۲۹ سال به‌طور تصادفی انجام شده است، نشان می‌دهد که مسئولیت اجتماعی مستقیماً تحت تأثیر متغیرهای سرمایه اجتماعی، عزت نفس، سن و جنسیت قرار گرفته است و در مجموع، این متغیرها توانسته‌اند ۲۰ درصد از واریانس مسئولیت اجتماعی را تبیین کنند. در مدل تحلیل مسیر، چهار متغیر سرمایه اجتماعی، عزت نفس، سن و تحصیلات به‌صورت مستقیم و سایر متغیرها به‌طور غیرمستقیم تأثیر معناداری بر مسئولیت اجتماعی داشته که بیشترین تأثیر آن به سرمایه اجتماعی مربوط می‌شود.

از آنجایی که یکی از انتظارات از دانشگاه و دانشگاهیان اثرگذاری و نفوذ در خط‌مشی‌گذاری و ارتقای سطح جامعه بر اساس تصمیم‌گیری خردمندانه است، وظیفه مسئولیت اجتماعی از آنان ساقط نیست؛ اعضای هیئت علمی نخبگان و گروه‌های مرجع جامعه محسوب می‌شوند و انتظار می‌رود در جهت مسئولیت‌های اجتماعی دانشگاه مشارکت کنند. این در حالی است که در حال حاضر، نوعی وظیفه‌گرایی صوری بر آنها و بر دانشگاه‌ها سایه انداخته است. شاید این وضعیت، نه تنها نشان‌دهنده نبود رویکرد حمایتی یا تشویقی، بلکه نگرانی از آسیب‌هایی است که گاه در مسیر فعالیت‌های داوطلبانه متوجه افراد می‌شود و پایگاه اجتماعی عضو هیئت علمی را می‌تواند به مخاطره بیندازد. بجز این در ادبیات پژوهش، دوگانه‌هایی میان مسئولیت اجتماعی با آزادی علمی، تأمین منابع دانشگاه در جهان رقابتی یا فشار جهانی برای مشارکت در بازار جهانی، تفاوت فهم ارزش و اخلاق و مفهوم کالای عمومی، تغییرات رابطه حکمرانی نهاد آموزش عالی و نبود

تبادل در فرایند ارزشیابی و ارتباط با ذینفعان (Parsons, 2014; Bok, 2017) وجود دارد که نهاد آموزش عالی را دچار تردید و سستی می‌کند.

دلنتی (Delanty, 2001) در کتاب «دانش چالش آمیز؛ دانشگاه در جامعه دانش» با استفاده از آرای هابرماس، امیدوار است که دانشگاه‌ها به پشتگرمی ظرفیت‌های تفکری خود و به مدد تولید معنا و تولید رابطه بتوانند تغییر و تحول پیدا کنند و در دل توفان‌های مابعد مدرن همچنان مانند دوره مدرنیته، زندگی و حیات پرثمر داشته باشند و از بحران‌های عصر پسامدرن عبور کنند. در همین خصوص، یکی از مهم‌ترین سازوکارهای این نقش دانشگاه آن است که اگر هیئت علمی دانشگاه فعالیت‌های خود را از سطح وظیفه‌ای و انتفاعی فراتر بیاورند، دانشگاه‌ها قابلیت‌هایی دارند که می‌توانند مواجهه متاملانه با این بحران‌ها داشته باشند و به نقد خودشان بپردازند.

### مبانی نظری و پیشینه

لوریا و لوریا (Luria & Luria, 1970) در دهه ۷۰ پرسش مهمی در انداختند: «دانشگاه به‌عنوان برج عاج، دانشگاه به‌مثابه ایستگاه خدمت یا دانشگاه به‌عنوان خط‌شکن و دیده‌بان پست مرزی؟» در اصل، مسئولیت اجتماعی دانشگاه فقط پاسخگویی به مسائل نیست، بلکه طرح پیش‌دستانه مسائل و نقش پیشرو علمی در حل آنهاست. در بیانیه کنفرانس جهانی آموزش عالی یونسکو در سال ۱۹۹۸ و متعاقب آن بیانیه کنفرانس در سال ۲۰۰۹ بر مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها از نظر کارکردهای آموزشی آنان در پرورش شهروندان مسئول، آگاه به حقوق خود و دیگران، دارای تفکر انتقادی، مشارکت‌جو، آزادمنش، آینده‌نگر، حساس به مشکلات جامعه و پی‌جوی حل آنها، متعهد به صلح، حقوق بشر و ارزش‌های دموکراسی و عدالت تأکید شده است (UNESCO, 1998, 2009) در کنفرانس توسعه پایدار ریودی ژانیرو، در اعلامیه کنفرانس ۲۰۱۲، تأکید شده است که نهاد آموزش عالی باید خود را متعهد به این موارد بداند: سیاست‌های پایدار در حوزه تدریس و آموزش، تحقیق و پژوهش (بهبود روند یادگیری از طریق تبادل دانش علمی و فنی، ارتقای توسعه، سازگاری، اشاعه و انتقال دانش از جمله در فناوری‌های نو و تجدیدپذیر)، پایدارسازی زیرساختارها (کاهش ردپای اکولوژیکی در دانشگاه‌ها، پایدارسازی زنجیره عرضه و خدمات تغذیه، پایدارسازی سیستم حمل و نقل دانشگاه‌ها، انطباق با برنامه‌های کارآمد برای کاهش ضایعات، بازیافت و استفاده مجدد و درنهایت، ترویج سبک زندگی پایدار) و حمایت از سیاست‌های پایدار محیط زیستی و حضور فعال در چارچوب‌های بین‌المللی (Salehi & Pazokinejad, 2015).

ریزر (Reiser, 2008) در تعریف مسئولیت اجتماعی دانشگاه بر اثرهای مدیریت دانشگاه به‌عنوان «راهبرد کیفیت اخلاقی عملکرد جامعه دانشگاه (دانشجویان، هیئت علمی و کارکنان اجرایی) از طریق مدیریت مسئولانه اثرهای آموزشی، شناختی، کاری و محیط زیستی ایجاد شده توسط دانشگاه در دیالوگ

تعاملی با جامعه برای ارتقای توسعه انسانی پایدار» تکیه می‌کند. آرنزتن (Arntzen, 2009) مسئولیت اجتماعی دانشگاه را چنین تعریف می‌کند: «رویکرد اخلاقی برای توسعه حس شهروندی مدنی و اجتماعی دانشجویان، کارکنان و اعضای هیئت علمی دانشگاه به منظور ترویج تعاملات اجتماعی، زیست‌محیطی، محیط زیستی، فنی و اقتصادی برای یک جامعه پایدار و با دوام محلی و جهانی».

نگوئرا (Noguera, 2010) می‌گوید: «مسئولیت اجتماعی دانشگاه توانایی دانشگاه به‌عنوان نهادی برای نشر و اجرای مجموعه اصول و ارزش‌ها از طریق مدیریت، آموزش، تحقیق و توسعه است». واسیلسکو و همکاران (Vasilescu, Barna, Epure & Baicu, 2010) دانشگاه را از دیدگاه شهروندی برای معنا دادن به مسئولیت اجتماعی دانشگاه مفهوم‌سازی کردند. از نظر آنها «نیاز به تعهد قوی مدنی و شهروند فعال مسئولیت اجتماعی دانشگاه درباره وفاداری، رویکرد اخلاقی، توسعه حس شهروند مدنی از طریق تشویق دانشجویان و کارکنان علمی برای ارائه خدمات اجتماعی به اجتماع محلی یا برای ارتقای تعهد اکولوژیکی و زیست‌محیطی برای توسعه پایدار محلی و جهانی است».

به نقل از جرج و پنا (Jorge & Pena, 2017) مسئولیت اجتماعی در دانشگاه آمریکای لاتین چنین تعریف شده است: «ظرفیت دانشگاه برای انتشار اصول و ارزش‌های خاص و عمومی با تمرکز بر چهار فرایند اصلی مدیریت، تدریس، پژوهش و خدمات اجتماعی برای پاسخگویی به نیازهای جامعه دانشگاه و در چارچوب کشور به‌عنوان یک کل». در زمینه خدمات تخصصی و روابط با ذینفعان اجتماعی نیز مسئولیت دانشگاه کمک به توسعه اجتماع‌بنیان، کمک تخصصی و حرفه‌ای به اجتماع برای رهبری تغییرات مطلوب مدنی و توسعه و پایداری است (Shafaei, Abili & Gharamaleki, 2017). به همین دلیل، دانشگاه مسئول تلفیق مسئولیت اجتماعی با طراحی برنامه درسی، پژوهش، ترکیب با مأموریت، چشم‌انداز و استراتژی‌های سازمان است (Moon, 2018).

بر اساس تعریف واسیلسکو و همکاران (Vasilescu et al., 2010) جهانی شدن، جامعه دانشی، نوآوری، توسعه فناوری‌ها، رشد مبتنی بر فشارهای بازار و تنزل محیط زیست اثرهای مهمی بر رسالت دانشگاه‌ها، سازمان و نیمرخ، شیوه عملیات و توزیع آموزش عالی داشته است. همه این روندها در توسعه، رد پای دانشگاه را در جامعه گسترش داده است و انتظارات اجتماعی رو به رشدی برای افزایش اهمیت مسئولیت دانشگاه‌ها نسبت به گروه‌های متنوع ذی‌نفع به وجود آورده است.

مسئولیت اجتماعی دانشگاه از نظر والایس (Vallaey, 2013) خط‌مشی کیفیت اخلاقی در فعالیت‌های جامعه دانشگاهی (دانشجو، مربی و مدیر) در خلال مدیریت پاسخگو در قبال اثرهای آموزشی، شناختی، کاری و محیطی دانشگاه است که در گفت‌وگوی فعال با جامعه برای ارتقای توسعه انسانی پایدار

است و در چهار مرحله رخ می‌دهد: تعهد<sup>6</sup>، خودتشخیصی<sup>7</sup>، تطابق<sup>8</sup> و پاسخگویی<sup>9</sup> با نشان دادن تنوع تعاریف، مسئولیت اجتماعی دانشگاه هنوز مفهومی زنده و در مرحله اکتشاف است. از جمله دلایل و ضرورت‌های ظهور مسئولیت اجتماعی دانشگاهی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد (Lo, Pang, Egri & Li, 2017):

- رشد سریع تعداد دانشجویان جهانی که نشان می‌دهد دانشگاه‌ها جوامع بزرگ‌تری خواهند شد و فعالیت‌های مرتبط آنها آثار بیشتری در جامعه به‌عنوان یک کل خواهد داشت.
  - نقش یگانه دانشگاه‌ها در منطقه ابعاد گسترده‌ای دارد، از جمله تأمین صنایع محلی و ارتقای آن در خلال نوآوری فناوری و کاربردی، همکاری با دولت محلی برای بهبود کیفیت بازار کار و مهم‌تر از همه سازمان‌های آموزشی انتقادی که بر جامعه بشری اثر دارند. همچنین به دلیل رشد آگاهی مسئولیت اجتماعی برای نسل‌های جوان‌تر دانشگاه‌ها نیازمند توجه جدی به مسئولیت اجتماعی هستند.
  - به دلیل پدیدار شدن نظام‌های آموزش دیجیتال مانند دوره‌های برخط تولید انبوه (MOOC) دانشگاه‌ها با تهدیدهایی مواجه‌اند. در محدوده مسئولیت اجتماعی، دانشگاه‌ها می‌توانند فناوری دیجیتال را به‌عنوان راهبردی مؤثر برای نوآوری پاسخگو در ارائه آموزش و مدیریت بپذیرند.
- در حال حاضر، این اعتقاد وجود دارد که دانشگاه با مسئولیت اجتماعی رهبرانی شایسته تربیت خواهد کرد که قادر به تنظیم الگوهای شایسته برای فعالیت انسانی فراتر از فضاهای دانشگاهی باشند. پس ضروری است که دانشگاه‌ها به دانشجویان خود ذهنیت مسئولیت اجتماعی را القا کنند، بدان‌گونه که همه دانش‌آموختگان مسئولیت اجتماعی دارند، به‌صورتی که گویی در DNA آنها حک شده است (Schwas, 2009).
- دانشگاه از نظر سرشت تاریخی خود به نظام هنجارینی تعهد دارد که فقط هنجارهایی مثل آزاداندیشی، بی‌طرفی علمی و وفاداری صادقانه به حقیقت و امانتداری علمی و تلقی دانش به‌عنوان ثروت مشاع بشری و مانند آن نیست که در اساس فعالیت دانشگاه وجود دارد، بلکه دانشگاه به یک رشته هنجارهای اجتماعی، مصالح عمومی، تولید خیر عمومی و رفاه اجتماعی و محافظت از آینده سیاره، صلح و همزیستی، حقوق و عدالت و همزیستی و نیز حفظ میراث محیط زیست مشترک متعلق به انسان و دیگر جانداران نیز متعهد است که از طریق تفکر، معرفت، تحقیق، تعلیم و تربیت و اشاعه اندیشه و معنا به وجهی حرفه‌ای و تخصصی آنها را دنبال می‌کند و همین نیز فرق فارق میان دانشگاه با دیگر نهادهای اجتماعی و مدنی است. دانشگاه پاسخگویی اجتماعی خود را به مسائل مبتلابه جامعه از زندگی روزمره تا مسائل مختلف توسعه در

6Commitment

7Self-diagnosis

8Compliance

9Accountability

10Massive Open Online Course

مقیاس‌های محلی و ملی و منطقه‌ای و جهانی در همه ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و تکنولوژیک و زیست‌بومی برعهده دارد؛ به عبارت دیگر، مسئولیت دانشگاه آزادسازی دانش و عمومی‌سازی آن، اثربخشی اجتماعی دانش و مردمی کردن علم به‌عنوان یک دارایی عمومی انسانی است؛ اینکه دانش از انحصار گروه‌های خاص خارج شود، دموکراتیزم دانش به‌عنوان مرکز‌دایی از دانش اتفاق بیفتد، اینکه همه ذینفعان اجتماعی به دانش دسترسی داشته باشند و بتوانند دانش را برای تقلیل مرارت‌ها و بهبود زیست اجتماعی خود به‌کار بگیرند؛ یعنی عدالت شناختی بزرگ‌ترین رسالت دانشگاه است (Farasatkah, 2017).

بنابراین، مسئولیت اجتماعی دانشگاه از این نظر اهمیت دارد که دانشگاه‌ها می‌توانند از طریق کنش ارتباطی ارتقا پیدا کنند. کنش ارتباطی مستلزم فهم ظرفیت‌هایی است که در شبکه‌ای فراتر از محدوده دولت یا حتی بازار وجود دارد. جهان ارتباطی بسیار وسیع‌تر از دولت یا بازار کار است. دانشگاه می‌تواند به متن شهر، حوزه عمومی، فرهنگ شهروندان، اجتماعات محلی، نهادهای مدنی، فضاهای غیرانتفاعی، فضاهای گفتمانی، ارزش‌های مشترک بشری، مسائل جهانی و منطقه‌ای و محلی و فضاهای مجازی چشم بدوزد و با این ساحت‌های متنوع ارتباط برقرار کند (Delanty, 2001).

هازلکرن (Hazelkorn, 2017) تأکید می‌کند که سه شاخصه عدالت اجتماعی، توسعه اقتصادی و کالای عمومی که لازمه توجه در دانشگاه مدنی است، با همراهی حکمرانی نهادی، واحد سازمانی و فعالیت‌های نهادی شکل می‌گیرد. در این صورت، داوطلبانگی، گستردگی، خدمات‌یادگیری، انتقال دانش و فناوری، نشر دانش و مشارکت جامع را به همراه خواهد داشت. شفایی و همکاران (Shafaei et al., 2017) بر اساس مطالعه تعاریف ارائه شده درباره مسئولیت اجتماعی دانشگاه بر اساس پنج مؤلفه آن را در دانشگاه تهران تعریف کرده‌اند: ۱. توسعه حس مسئولیت‌پذیری در دو بعد فردی و حساسیت اخلاقی دانشگاه به‌مثابه شهروند مسئولیت‌پذیر؛ ۲. رهیافت اخلاقی دانشگاه؛ ۳. برای دستیابی به توسعه پایدار (به‌مثابه هدف)؛ ۴. از طریق فرایندهای مدیریت، توسعه، آموزش و پژوهش با توجه به دو مفهوم کیفیت و بهره‌وری؛ ۵. در گفتمان تعاملی جامعه و دانشگاه.

با بررسی تعاریف ارائه شده می‌توان چنین نتیجه گرفت که چشم‌انداز مسئولیت اجتماعی تحقق‌یافتنی است که دامنه آن از منطقه محلی تا جهانی گسترده است. اگر رسالت دانشگاه را برقراری عدالت شناختی بدانیم، راه دستیابی به آن تمرکز‌دایی از دانش و خروج از انحصار آن است تا پاسخگویی اجتماعی رخ دهد. بنابراین، لازم است که این مفهوم در مأموریت، چشم‌انداز و استراتژی‌های سازمان در نظر گرفته شود تا در طراحی برنامه درسی و پژوهش و خدمات جاری شود. این مسئولیت، نهادی است که باید شکل بگیرد تا زمینه برای تسهیل چنین امری در اعضای هیئت علمی به‌صورت داوطلبانه فراهم شود. کوتاه سخن آنکه در عصر دانش، دانشگاه به‌عنوان رهبر تغییرات مطلوب مدنی و توسعه و پایداری است که شکل‌دهنده هویت مسئولیت‌پذیر در قبال کشور خود و جهان است که در گفتمانی تعاملی شکل خواهد گرفت. بنابراین، لازم است که در تعریف مسئولیت اجتماعی از رویکرد فردگرایانه که در بعضی تعاریف وجود دارد

(Arntzen, 2009) به سمت رویکرد سیستمی و سازمانی حرکت کرد تا نتایج آن بتواند به پایداری جامعه منجر شود؛ به عبارت دیگر، مفهوم سازمانی مسئولیت اجتماعی در کنار مفهوم فردی می‌تواند راهگشا باشد. همچنین این مفهوم به رویکرد اخلاقی (نه حقوقی و قانونی) توجه ویژه دارد که نیازمند تعریف دقیق شامل فرایندها، سازوکارها و اقدامهاست.

نکته قابل تأمل آن است که مبتنی بر نظر برخی از صاحب‌نظران (Hazelkorn, 2017)، ایجاد دانشگاه مدنی و توسعه مسئولیت اجتماعی در دانشگاه دارای طیفی است و هر دانشگاه می‌تواند در هر یک از ابعاد خود در مرحله متفاوتی از این طیف؛ یعنی از مرحله جنینی تا مرحله استقرار قرار بگیرد (جدول ۱)؛ به طوری که در نهایت این طیف دانشگاه به‌عنوان «نهادی عقبه‌دار» نقش جامع خود را به‌عنوان تولید کننده «کالای عمومی» و «قرارداد اجتماعی» تقویت کند و در برنامه کاری خود قرار دهد و با پروراندن «شهروند جهانی» معتبر، مسئولیت اجتماعی را جهانی سازد و مسائل زندگی واقعی را با کمک دانشجویان در رشته‌ها، تیم‌های کاری و سایر مشارکت‌ها حل کند.

جدول ۱- طیف توسعه دانشگاه مدنی (Hazelkorn, 2017)

استقرار	در حال تحول	در حال پدیداری	جنینی	بعد
رویکرد آگاهانه به مسائل اجتماعی	افزایش شرکای بیرونی و مشارکت	کشمکش نهاد آموزش عالی با خواسته‌های انتقال به عمل هدفمند	تمرکز اولیه بر آموزش و پژوهش، بدون توجه به مأموریت سوم	فهم هدف
تعامل در سطوح چندگانه و یکپارچه	تأسیس استراتژی و افزایش مشارکت	استراتژی به فعالیت‌های فردی بستگی دارد	بدون استراتژی، مشارکت امری ویژه و موردی	درگیری فعال
تبدیل به ارزش عمومی یکپارچه، دربرگیرنده آموزش و پژوهش	مکانیسم رسمی	مشارکت بیرونی، اما تدریجی یا گزینشی	نحیف بودن مشارکت و انجام دادن توسط گروهی کوچک یا دانشجویان	رویکرد جامع
آمیزش محلی با زیست‌بوم محلی به‌عنوان «آزمایشگاه زندگی» برای آموزش و پژوهش	پیوند نهاد آموزش عالی با کسب و کار و گروه‌ها برای آموزش و کارایی و ...	گشودگی پردیس، اما با پیوندی سطحی با دیگران	شاخصی مجزا از زیست‌بوم محلی و پیوندهای محلی محدود	درک فضا
منابع مهم، پاداش و ارتقای معیارها و به‌کارگیری «پیمایش‌های مرزی»	حلقه دفاعی بعضی منابع و مشارکت به-عنوان KPI، اما نه در سطح آموزش و پژوهش	سرمایه‌گذاری محدود در پروژه‌های بیرونی و نادیده گرفتن مشارکت به‌عنوان شاخص موفقیت	تمرکز منابع، خط‌مشی‌ها و رویه‌ها بر آموزش و پژوهش	اشتیاق به سرمایه‌گذاری

1 Anchor Institution  
 1 Public Good  
 1 Social Contract



استقرار	در حال تحول	در حال پدیداری	جینینی	بعد
نظام/فرایندها برای اندازه‌گیری مؤثر اثرها و پیامدهای فراعلمی	ارزیابی تطبیقی بر اساس KPI، اما فرای هسته آموزش و پژوهش	افزایش تعاملات با تأکید بر «داستان‌های موفق» فردی	دشواری کسب اطلاعات از ذینفعان بیرونی	شفافیت و پاسخگویی
نوآوری اجتماعی و فرایندهای بدیع و آغاز همکاری و مدیریت آن در سطح نهاد	افزایش همکاری با سایر دانشگاه‌ها و مراکز و شرکای غیررایج	ابزار نوآورانه برای بهبود وظایف هسته‌ای و جاذبه برای شرکای بیرونی	تمرکز بر روش‌های آموزش و پژوهش رایج	روش‌های نوآورانه

اکنون با توجه به اهمیت نقش عوامل و شرایط زمینه در مفهوم مسئولیت اجتماعی دانشگاه، در کشور ایران این مفهوم مطالعه شد تا با نظر به تجربه مشترک ذینفعان، به‌خصوص اعضای هیئت علمی در موقعیت خاص کنونی دانشگاه ایرانی، این مفهوم توضیح داده شود.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تحلیل کیفی مبتنی بر نظریه برپایه بود، چون در این موضوع مدل نظری عمیق و متناسب با ویژگی‌های جامعه کنونی ایران برای تبیین وجود نداشت و روش GT شناخت محیط و زمینه‌های مؤثر و متغیرهای مداخله‌کننده در مسئولیت اجتماعی دانشگاه، راهبردها و تکنیک‌های اعضای هیئت علمی، فرایندها و پیامدها را با تئوری مبتنی بر زمینه امکان‌پذیر کرد. بنابراین، چارچوب نمونه هدفمندی تا اشباع نظری برای مصاحبه‌های عمیق اکتشافی و گروه‌های کانونی انتخاب شد (جدول ۲).

جدول ۲- مشخصات خبرگان و مطلعان کلیدی در مصاحبه فردی و گروهی

کد	جنسیت	دسته انتخابی مطلع	رشته تحصیلی	محل خدمت/تحصیل
۱	زن	عضو هیئت علمی	حقوق	دانشگاه امام صادق
۲	زن	دانشجوی دکتری	علوم تربیتی	دانشگاه تهران
۳	مرد	عضو هیئت علمی	اقتصاد	دانشگاه علامه طباطبایی
۴	مرد	عضو هیئت علمی	محیط زیست	دانشگاه علامه طباطبایی
۵	زن	عضو هیئت علمی	مدیریت	دانشگاه الزهرا
۶	مرد	عضو هیئت علمی	مهندسی برق	دانشگاه تهران
۷	زن	عضو هیئت علمی	علوم تربیتی	دانشگاه الزهرا
۸	مرد	سیاستگذار آموزش عالی	اقتصاد و مدیریت آموزش عالی	برنامه‌ریزی آموزش عالی
۹	مرد	مدیر و سیاستگذار	علوم تربیتی	دانشگاه مازندران
۱۰	مرد	عضو هیئت علمی	مهندسی برق	دانشگاه امیرکبیر
۱۱	مرد	عضو هیئت علمی	مدیریت آموزشی	دانشگاه تهران
۱۲	مرد	عضو هیئت علمی	تاریخ	دانشگاه تهران
۱۳	مرد	خبیره آموزش عالی	شیمی	دانشگاه تربیت مدرس

کد	جنسیت	دسته انتخابی مطلع	رشته تحصیلی	محل خدمت/تحصیل
۱۴	مرد	عضو هیئت علمی	برنامه ریزی درسی	مؤسسه مهدوی
۱۵	مرد	عضو هیئت علمی	جامعه شناسی	مرکز سیاستگذاری علمی کشور
۱۶	مرد	دانشجوی دکتری	آموزش عالی	دانشگاه تهران
۱۷	مرد	دانشجو دکتری	آموزش عالی	دانشگاه تهران
۱۸	زن	عضو هیئت علمی	مدیریت سیستم	مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی
۱۹	مرد	عضو هیئت علمی	مدیریت	ایراندک
۲۰	مرد	عضو هیئت علمی	مطالعات برنامه درسی	سازمان حفاظت محیط زیست
۲۱	مرد	عضو هیئت علمی	---	ابفا وزارت نیرو
۲۲	زن	عضو هیئت علمی	مدیریت آموزش عالی	مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی
۲۳	مرد	عضو هیئت علمی	اقتصاد و مدیریت آموزش عالی	مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی
۲۴	مرد	عضو هیئت علمی	جامعه شناسی	مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی
۲۵	مرد	عضو هیئت علمی	آموزش عالی	مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی
۲۶	مرد	عضو هیئت علمی	محیط زیست	مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی
۲۷	زن	عضو هیئت علمی	اقتصاد	دانشگاه شهید بهشتی
۲۸	مرد	عضو هیئت علمی	اقتصاد	پژوهشکده اقتصاد، آموزش و سیاست محیط زیست
۲۹	زن	عضو هیئت علمی	علوم سیاسی	مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آ.ع.
۳۰	مرد	عضو هیئت علمی	اقتصاد محیط زیست	دانشگاه شیراز
۳۱	مرد	عضو هیئت علمی	اقتصاد محیط زیست	پژوهشکده محیط زیست و توسعه پایدار
۳۲	مرد	فعالان غیرهیئت علمی نهادهای مدنی و سازمان‌های غیرانتفاعی و کنشگران اجتماعی		فعال حوزه محیط زیست و گردشگری
۳۳	مرد			مؤسسه رحمان
۳۴	زن			انجمن حمایت از حقوق کودکان
۳۵	مرد			کانون هموفیلی ایران
۳۶	زن			بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان
۳۷	مرد			بنیاد خیریه طباطبایی برای کودکان
۳۸	زن			انجمن حمایت از زنان و کودکان پناهنده
۳۹	مرد			انجمن حمایت از معلولین ضایعات نخاعی
۴۰	مرد			انجمن دوستداران کودک
۴۱	زن			انجمن برنا
۴۲	مرد			شبکه باری کودکان کار

محل خدمت/تحصیل	رشته تحصیلی	دسته انتخابی مطلع	جنسیت	کد
انجمن بیماریه‌های خاص			مرد	۴۳
بنیاد توسعه پایدار ایران			مرد	۴۴
دیدبان کوهستان انجمن کوه نوردان ایران			مرد	۴۵
کنشگر اجتماعی و محیط زیست			مرد	۴۶
کنشگر اجتماعی			مرد	۴۷
محقق گردشگری ورزشی مبتنی بر کوهستان			مرد	۴۸
دیدبان کوهستان انجمن کوه نوردان ایران			مرد	۴۹
کارشناس آلودگی آب سازمان حفاظت محیط زیست			زن	۵۰

در دسته‌های انتخابی با ۱۷ نفر مصاحبه فردی به شیوه عمیق مبتنی بر تجربه زیسته ترتیب داده شد. این افراد بر اساس نمونه‌گیری هدفمند خود به مسئولیت اجتماعی به‌عنوان رسالت دانشگاهی اعتقاد و فارغ از اهتمام دانشگاه میادرت داشتند. سپس، سه گروه کانونی تشکیل شد که عموماً از دسته‌های فعالان غیرهیئت علمی نهادهای مدنی و سازمان‌های غیرانتفاعی، کنشگران اجتماعی و فعالان نهادهای حرفه‌ای بودند. حاضران در گروه‌های کانونی ۳۳ نفر بودند. مصاحبه‌ها و گفت‌وگوها با تأکید بر تجربه‌ها و مصادیق در عمل صورت گرفت. ضمن بیان اهداف به مشارکت کنندگان و ایجاد فضای اعتماد، مصاحبه‌ها ضبط و به دقت پیاده شد و در مواردی متن مصاحبه‌ها بنا به درخواست مشارکت کننده برای بازبینی در اختیار وی قرار گرفت. در این میان، یادداشت محققان و مشارکت در ساخت مفاهیم گام به گام انجام می‌گرفت. تحلیل داده‌ها طی فرایندی در مقایسه بین داده‌ها و متن مصاحبه‌ها، معطوف به سؤالات پژوهش کدگذاری شد. کدهای باز در کنار هم کدهای محوری را شکل دادند و درنهایت، بعد از کدگذاری محوری تبیین پدیده صورت گرفت و بر اساس مدل اشتراوس-کوربین، شرایط علی، زمینه‌ها و پیامدها مشخص و راهبردها ارائه شدند. به دلیل اجرای پژوهش به صورت تیمی، داده‌ها و تحلیل‌ها در چند مرحله در اختیار افراد قرار گرفت و بازبینی شد و درنهایت، به تأیید ناظر به‌عنوان خبره بیرونی رسید. در جلسات تعاملی بین اعضای تیم پژوهش، نتایج مورد بررسی و مفهوم نهایی بر اساس کدهای استخراج شده شکل گرفت.

### یافته‌ها

تحلیل مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و کنکاش در سایر شواهد نشان می‌دهد که مفهوم نهادی مسئولیت اجتماعی دانشگاه هنوز در ایران ظهوری ندارد؛ به عبارت دیگر، دانشگاه‌های ایرانی در طیف توسعه دانشگاه مدنی در مواردی در دوره جنینی و در نمونه‌هایی در حال ورود به مرحله پایداری قرار دارند، چرا که اهتمام

دانشگاه‌ها هنوز بر آموزش و پژوهش به شیوه سنتی است، استراتژی مشخصی برای مسئولیت اجتماعی وجود ندارد یا به فعالیت فردی بستگی دارد که گاه به کشمکش نهاد و فرد منتهی می‌شود. بنابراین، در بررسی پدیده کانونی در دو بعد فردی و سازمانی قابل تأمل است. اعضای هیئت علمی از نظر ویژگی فردی (نگرش، ارزش، منش و کنش) و از بعد سازمانی بر اساس کارویژه‌های دانشگاه (آموزش، پژوهش، خدمات تخصصی و مشارکت اجتماعی) ویژگی‌هایی دارند که برای فهم پدیده مسئولیت اجتماعی در دانشگاه ایران نیازمند تدقیق است. آنها با توجه به موقعیت و تفاوت‌هایی که به توانمندی یا علاقه آنان مربوط می‌شود، مسئولیت اجتماعی را در کارکردهای تربیت، آموزش، پژوهش، خدمات تخصصی یا مشارکت عمومی وارد می‌سازند و آن را در سطوح مختلف ملی، محلی و گاه بین‌المللی توسعه می‌دهند. ملاحظات در این پژوهش به دلیل اولویت نیاز و شرایط، اغلب نشان‌دهنده فعالیت در سطح محلی و ملی بوده است.

استادانی که در عرصه عمومی فعال هستند، گاهی انفکاک عملکردیشان در دو حوزه فعالیت علمی و عمومی قابل تأمل است که خود نیز به آن اشاره دارند. برای نمونه، «بازنشسته بشوم و از دانشگاه بروم، تازه به فعالیت اجتماعی ام می‌رسم» (مشارکت کننده ۷)، نقل قولی است که علاوه بر ارزش فعالیت اجتماعی نزد عضو هیئت علمی، شاهدهی است برای آنکه گاه حضور در دانشگاه فرد را از برخی علایق این چنینی دور می‌کند. البته، چنین افرادی اگر روزه‌ای در محیط دانشگاهی مشاهده کرده‌اند، از آن بی‌اعتنا نگذشته و تبعات بی‌مهری را نیز چشیده‌اند. هرچند این موانع موجب شده‌اند تا آنان راه دیگری را بیازمایند و مسئله را به‌گونه دیگری حل کنند و حداکثر آنکه فعالیت خود را به داخل دانشگاه نیاورده‌اند.

جدول ۳- کدهای باز و مقوله‌های نشانگر ابعاد مسئولیت اجتماعی دانشگاه در ایران

ابعاد	مقوله‌ها	کدهای باز
بعد فردی (ویژگی شخصیتی اعضای هیئت علمی مشارکت‌کننده در مسئولیت اجتماعی)	نگرش	باور به اثرگذاری دانشجویان به‌عنوان عاملان تغییر در آینده، باور به اثر اخلاق معلم در تربیت دانشجویان و باور به اثرگذاری آموزش و پژوهش متعدد به حل مسائل اجتماعی
	ارزش	ارزش نهادن به حرفه معلمی و نهاد علم به‌عنوان کنشگر فعال و حرفه خدمت‌رسان به جامعه و ارزش مسئولیت اجتماعی به‌عنوان نماد اعتباربخش به دانشگاه و کارکردهای آن
	منش	لذت بردن از خدمت به جامعه در خلال کلاس درس و فعالیت پژوهشی یا تربیتی و داشتن دغدغه کار اجتماعی و ادراک اجتماعی دیگران (همکار و دانشجو) از فعالیت‌های او
	کنش	دوری از تکنیک‌زدگی در مهارت و روش و توجه به تفاوت‌های فردی و موقعیتی و ارزش‌آفرینی در عرصه‌های اجتماعی با انتخاب متناسب سازوکارهای کنشگری در حوزه‌ها و سطوح مختلف
بعد سازمانی (کارکردهای دانشگاه و مسئولیت اجتماعی)	آموزش و تربیت دانشجو	آشنا کردن دانشجویان با مسئولیت اجتماعی، تفکر انتقادی، هنجارهای علمی، استفاده از کارفرمایان و خبرگان در تیم تدریس، حساس بودن به تفاوت‌های قومی، جنسیتی، زبانی و مذهبی، رعایت عدالت در ارزیابی و توجه به اثرگذاری کردار بیش از گفتار
	پژوهش	تأکید بر پژوهش اصیل به دور از تقلب، انتخاب موضوعات اجتماعی در پایان‌نامه/رساله، حضور کارفرمایان در تیم پژوهش و ترغیب به کار تیمی
	خدمات تخصصی	کاربردی کردن آموزش و پژوهش در پاسخگویی به نیاز جامعه، مشاوره، کارآفرینی و اهتمام به خروجی مفید کار تحقیقاتی یا مطالعاتی
	مشارکت اجتماعی	تلاش در مشارکت اجتماعی برای خود و ترغیب دانشجویان و کارکنان به مشارکت اجتماعی در حداقل یکی از قالب‌های موجود

جدول ۴- کدهای باز و مقوله‌های شرایط علی مسئولیت اجتماعی دانشگاه در ایران

ابعاد	مقوله‌ها	زیرمقوله‌ها (کدهای باز)
درون دانشگاهی	مدیریت دانشگاه	آگاه‌سازی ذینفعان درونی به وظایف در قبال جامعه و محیط زیست، قاعده‌گذاری مناسب و بازدارنده مانند قواعد رعایت مالکیت فکری، اخلاق و حقوق، تشویق و هموار کردن مسیر تعامل با جامعه در ذینفعان درونی، پذیرش آزادی عمل اعضای هیئت علمی در برنامه درسی و پژوهشی و تحقیقاتی و خدمات تخصصی با توجه به نیازهای بومی و محلی و منطقه‌ای ذیل برنامه استراتژیک با تنظیم ضوابط اداری منعطف، بدون تبعیض و ضامن کیفیت
	فرایندهای سوق‌دهنده	دوری از مقررات‌گرایی افراطی، شبکه‌سازی و گسترش تعاملات، حضور ذینفعان بیرونی در پروژه‌ها، برنامه درسی منطبق بر نیاز روز و ارزیابی عملکرد معطوف به پیامد اجتماعی
	زیرساخت‌ها	برآوردن امکانات مادی و ارتباطی برای فعالیت در حیطه مسئولیت اجتماعی مانند اتاق کار، برگزاری کنفرانس، تشکیل شبکه‌ها و گروه‌ها، حمایت از ایده‌ها، در نظر گرفتن مسئولیت اجتماعی در اسناد برنامه‌ای، توجه به سرمایه اجتماعی (اعتماد و انسجام)
برون دانشگاهی	فرهنگ سازمانی	برگزاری فوق برنامه سوق دهنده به مشارکت اجتماعی، معرفی و قدردانی از خیران و حساس بودن به جامعه و بلایای طبیعی و اجتماعی
	حکمرانی	سیاست و مقررات و انتظارات دولت و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ترکیب هیئت امنا و شیوه تصمیم‌گیری و انتظار نهادهای حاکمیتی
	سیاست	هزینه مشارکت اجتماعی و برچسب زنی سیاسی
	اقتصاد	بودجه و اولویت‌ها برای مسئولیت اجتماعی، شرایط اقتصادی و دغدغه اعضای هیئت علمی
عوامل نهادی بیرونی	هویت دانشگاه	فروکاسته شدن دانشگاه به کارخانه تولید مدرک و الگوی دانشگاه ایرانی (جایگاه الگوی اسلامی، علم نافع و مرجعیت علم)
	محیط تربیتی	خانواده، مدرسه و گروه دوستان

**موجبات علی:** موجبات علی به‌عنوان عامل اصلی به‌وجود آورنده پدیده مسئولیت اجتماعی دانشگاه و مشارکت اعضای هیئت علمی در آن، دارای سه بعد درون دانشگاهی و برون دانشگاهی و عوامل نهادی بیرونی است.

**بعد درون دانشگاهی:** مؤلفه درون دانشگاهی شامل مقوله‌های مدیریت دانشگاه، فرایندهای سوق دهنده، زیرساخت‌ها و فرهنگ دانشگاه است.

مدیریت: مدیریت تسهیل‌کننده و مشوق و زمینه‌ساز حرکت اعضای هیئت علمی، گروه‌های علمی و واحدهای دانشگاهی به سمت مسئولیت اجتماعی است. توجه به رویکرد مسئولیت اجتماعی در برنامه استراتژیک و تشویق اعضای هیئت علمی، دانشجویان، کارشناسان و مدیران به هدایت فعالیت‌های خود در قالب این برنامه‌ها مهم‌ترین گام برای ایجاد زمینه مسئولیت اجتماعی دانشگاهی است. توجه به نیازهای بومی، منطقه‌ای و محلی در برنامه درسی، هدایت برنامه پژوهشی به سمت رفع نیازهای واقعی جامعه و ترغیب دانشجویان به فعالیت‌های آموزشی (مانند کارورزی) و تحقیقاتی (مانند پایان‌نامه/ساله) یا فعالیت دانشجویی (فوق برنامه) در زمینه اجتماعی همراستا با تنظیم ضوابط اداری منعطف و پذیرش آزادی عمل اعضای هیئت علمی راهگشاست. پذیرش تنوع عملکردی و رسمیت بخشیدن به حضور فعال در جهت کارکردهای تعریف شده و کاهش بوروکراسی اداری (در معنای کاغذبازی) مقتضی چرخش دیدگاه مدیریت

از سازمانی دیدن اعضای هیئت علمی به سمت شهروند متعهد است که مرجعیت علمی او اقتضای حضور در عرصه‌های مختلف با تأکید بر توانمندی و علاقه او و نیاز جامعه است و با یادگیری مداوم معنادار به کاهش موانع و افزایش بهره‌وری که حاصل هم‌افزایی علم و عمل است، کمک کند. برای مثال، "اگر استادی در جامعه کاری را انجام داد و چند ساعت در محیط کارش نبود، این پذیرفته شود که در راستای تحقق وظایف اعضای هیئت علمی این کار را انجام داده و از طرف جامعه و دانشگاه پذیرفته شود (مشارکت‌کننده شماره ۵)". آگاه کردن ذینفعان درونی به صرفه‌جویی انرژی، همراه کردن آنان در برنامه‌ها و فرایندهای کاری به صورت مشارکتی و آشنا کردن با حقوق خویش از وظایف مدیران دانشگاهی است که به مسئولیت اجتماعی تمایل دارند. چنین افرادی به دلیل اهمیت تصویر سازمانی و کارآمدی برای جلب مشارکت، ضمن شناسایی و تشویق افرادی که مسئولیت اجتماعی را داوطلبانه پیگیری می‌کنند، زمینه‌های لازم رسانه‌ای را برای بسط و گسترش بازتاب چنین فعالیت‌هایی فراهم می‌کنند.

فرایندهای سوق‌دهنده: انجام دادن بهینه کارکردهای آموزش عالی با دامنه و نوع عملکرد مختلف، نیازمند پذیرش فرایندهای سازمانی سوق‌دهنده متنوع است؛ تعامل اعضای هیئت علمی با جوامع مختلف و در سطوح مختلف، حضور متنفذانه در مراکز تصمیم‌سازی یا ارائه نتایج پژوهش اعضای هیئت علمی برای حل مسائل اجتماعی بر اساس علاقه، توانمندی یا جهتگیری حرفه‌ای اعضای هیئت علمی به فرایندهای حمایت‌گرانه (به دور از مقررات‌گرایی افراطی) یا تسهیل‌کننده (مانند شبکه‌سازی) متفاوتی نیاز دارد. از سوی دیگر، فرایندهای ارزیابی فعالیت اعضای هیئت علمی در سمت و سوی زیست علمی ایشان اثر دارد. چنانچه شاخص‌های ارزیابی به سمت پیامدها معطوف باشد یا با گذر از شاخص‌های کمی و کیفی رایج، از شیوه‌های مناسب دیگری مانند گروه قضاوتی بهره‌برداری شود، رفتار به‌طور طبیعی تغییر خواهد کرد. "شاخص‌های متعدد کمی و کیفی شاخص‌های مناسبی است، اما کافی نیست. چرا از گروه قضاوتی درگیر مسائل اجتماعی استفاده نمی‌شود؟ چرا شهرت داشتن در چیزی ارزیابی نشود؟ یا چقدر به دغدغه‌های داوطلبانه من رسیدگی می‌شود؟ چنین شاخص‌هایی عدد و رقمی نیست (مشارکت‌کننده ۹)".

زیرساخت‌ها: اگر دانشگاه مسئولیت اجتماعی را رویکرد قالب خود برگزیند و آن را در سندهای برنامه‌ای و چشم‌انداز دانشگاه قرار دهد، گام نخست برای حرکت ایجاد شده است. آگاهی دادن و حساس کردن، ایجاد مسئولیت اجتماعی و ترویج آن زمینه‌های مورد نیاز هستند، از جمله ایجاد گروه حقیقی و مجازی و استفاده بهینه از فضاهای ممکن فعالیت مانند برنامه‌ها و همایش‌ها. همه این زمینه‌ها وقتی کارآمد خواهند بود که جو اعتماد و انسجام نیز وجود داشته باشد تا در زمینه سرمایه اجتماعی مراودات شکل بگیرد و پایدار بماند. فرهنگ دانشگاهی: فرهنگ عامل زیست و شکل‌دهنده رفتار سیستمی است. باورها، نمادها و نظام ارزش‌گذاری از تجربه‌ها، قواعد نهادی و الگوهای ذهنی و عینی تغذیه می‌شوند و ریشه می‌گیرند. معرفی و تجلیل از افراد اثرگذار و تحول‌آفرین و ذی‌نفوذ می‌تواند گامی در جهت فرهنگ‌سازی باشد، چون با الگو قرار گرفتن یا حسن همجواری بر نگرش‌ها اثر می‌گذارند. تشکیل حلقه‌ها، فعالیت گروهی و تیمی چه از

نوع دانشی و تحقیقاتی باشد یا شکل‌گیری فعالیتی عمومی، به دلیل داوطلبانه بودن با ایجاد دغدغه مشترک، به تدریج به دلیل اثرگذاری جوّ گروهی اجتماعات به تغییرات شناختی منتهی می‌شود و با انسجام و اعتماد گروهی فارغ از رقابت مخرب را نهادینه می‌کند. ایجاد فرهنگ مشارکت و دوری از تصمیم‌گیری پشت درهای بسته از جمله رویکردهای کلانی است که در صورت ارزشگذاری در دانشگاه، ضمن توانمندسازی ذینفعان و همراهی در اجرای بهینه تصمیم‌ها، در حیات مسئولیت اجتماعی مؤثر خواهد بود، چرا که به دلیل ویژگی حرفه هیئت علمی، به گفته مشارکت‌کننده شماره ۶، توجه به مسائل فرهنگی «باعث می‌شود که ضعف اقتصادی کمی کم‌رنگ‌تر شود».

برون دانشگاهی: مؤلفه برون دانشگاهی در حکمرانی، سیاست، اقتصاد، هویت دانشگاه و محیط تربیتی قابل بررسی است.

حکمرانی: حلقه مفقوده تعامل بین دانشگاه و جامعه، احساس و ابراز نیاز دوطرفه است. به‌طور طبیعی نیاز وجود دارد، اما آنچه مانع اتصال بین این دو نهاد می‌شود، نبود زمینه‌های مناسب، وجود فرایندهای سیاسی و میانبرهای کاذب برای حل مسائل اجتماعی است. گویا نیازها از جایی دیگر تأمین می‌شود که به گفته برخی مشارکت‌کنندگان «رجوع به متخصص خارجی»، جایگزینی «مصرف‌گرایی به جای زاینده‌گی و تولید» و نبود درک صحیح از «تفاوت نیاز و فهم علمی» و «نیاز به صرف زمان برای رسیدن به پاسخ مناسب» مانع بر سر راه ارتباط دانشگاه و جامعه و شکل‌گیری مسئولیت اجتماعی است. رفع موانع و سوق دادن تعامل پویا بین دانشگاه و جامعه چه در سطح نهادهای حاکمیتی با ابراز تمایل به بهره‌مندی از دانشگاه برای مشاوره و سیاستگذاری علمی، چه در سطح وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با وضع صحیح قوانین فارغ از نگاه صرف بنگاهی و شاخص‌های ارزیابی مبتنی بر مشارکت اجتماعی و چه در سطح دانشگاه به‌منظور تصمیم‌گیری مشارکتی با همیاری ذینفعان ضرورت دارد.

سیاست: اجتناب از مرجعیت علمی، هرچند جایگاه علم و عالم مشخص و انکارناپذیر باشد، نشان‌دهنده نبود ارجحیت منافع جمعی است. از این رو، گاه با جناح‌بندی و ایجاد فضاهای خودی و غیرخودی دیوارهایی بین جامعه و دانشگاه شکل می‌گیرد. حال آنکه مسئولیت اجتماعی دانشگاه به شرط حفظ آزادی و استقلال علمی بر اساس مرجعیت علمی می‌تواند مانع ظهور استبداد در تصمیم‌سازی و اجرا باشد. بنابراین، سیاست نهاده شده چنانچه بر منفعت عمومی تکیه نزنند و از منافع گروهی و حزبی فاصله نگیرند، مسئولیت اجتماعی دانشگاه جایی برای بروز نخواهد داشت و در صورت ظهور چنین رویکردی، پیامدی پرهزینه خواهد داشت. " از دانشگاهی که استقلال انتخاب رئیس، مدیر، عضو هیئت علمی، دانشجو و مواد درسی را ندارد، چگونه می‌شود انتظار عمل به مسئولیت اجتماعی داشت؟ مسئولیت اجتماعی در شرایطی که آزادی وجود دارد تحقق می‌یابد و رشد می‌کند (مشارکت‌کننده شماره ۳۹).

شرایط اقتصادی: وضعیت معیشتی بر چگونگی جهت‌گیری اعضای هیئت علمی اثر می‌گذارد و می‌تواند مانعی بر مشارکت در مسئولیت اجتماعی باشد؛ به عبارت دیگر، نیازهای اولیه چنانچه برآورده نشوند، نه تنها میل به خودشکوفایی را برنمی‌انگیزاند، بلکه حتی اگر برحسب ضرورت به فعالیتی از جنس اجتماعی بپردازد،

با توجه به آنکه هدف رفع نیاز خود است، از نوع مسئولیت اجتماعی نیست و ارزش آفرین نخواهد شد. به طور طبیعی از آنجا که انسان موجود اقتصادی است، برای صرف زمان خود در فعالیت‌های ممکن ارزشگذاری می‌کند. «حساب می‌کند من به جای اینکه بروم برای امور خیریه داوطلبانه خدمت کنم، می‌روم حق‌التدریس یا پروژه می‌گیرم. همه اینها فردگرایی را ترویج می‌کند که به کاهش مسئولیت اجتماعی منجر می‌شود» (مشارکت‌کننده شماره ۹).

هویت دانشگاه: اکنون دانشگاه به نهادی برای صدور مدرک فروکاسته شده است که نیازمند بازیابی هویت خویش به‌عنوان مرجعیت علمی است که لازمه آن شکل‌گیری اجتماعات علمی است تا به‌عنوان گروه مرجع به تولید علم نافع و عرضه آن در سطوح مختلف از بومی تا بین‌المللی و مبتنی بر الگوی زمینه‌پردازند.

عوامل نهادی بیرونی: زمینه‌های خانوادگی و حساسیت به حضور اجتماعی، محیط تحصیل و آموزه‌های آن، همسالان و دوستان هر کدام به نحوی در تعریف ارزش‌ها و الگوهای ذهنی و عینی نقشی پیشینی و ماندگار دارند. اعضای هیئت علمی مشارکت‌کننده که دغدغه مسئولیت اجتماعی داشتند، همگی بر اثرگذاری این عوامل به‌عنوان تجربه زیسته اشاره داشتند و به همین دلیل اذغان داشتند که «برای تربیت یک شهروند مسئول باید از خانواده، مهدکودک و مدرسه شروع کرد» (مشارکت‌کننده شماره ۴).

**متغیرهای زمینه‌ای و مداخله‌گر:** زمینه‌های تاریخی، کمیت‌گرایی، موانع فرهنگی، شناختی، انگیزشی، ساختاری و موانع قانونی از متغیرهای مداخله‌گر شناخته شده هستند.

#### جدول ۵- کدهای باز و مقوله‌های متغیرهای زمینه‌ای و مداخله‌گر مسئولیت اجتماعی دانشگاه در ایران

مقوله‌ها	کدهای باز
زمینه تاریخی	برچسب‌زنی به دانشگاه، زمینه مرجعیت و دلیل پیدایش و شهرت به استادمحوری یا دانشجو محور بودن دانشگاه
کمیت‌گرایی	انبوه دانشجو و فرصت اعضای هیئت علمی برای فعالیت اجتماعی
موانع فرهنگی	خلق منعت‌گرایانه، ارزش کمک داوطلبانه، انزوای اجتماعی و احساس نامفید بودن اثر فعالیت اجتماعی و موانع جنسیتی/قومی/عقیدتی
موانع شناختی	ضرورت کنش اجتماعی اعضای هیئت علمی، اولویت‌گذاری در دوگانه کار فردی-اجتماعی یا تربیت نیروی متخصص- شهروند مسؤل
موانع انگیزشی	رواج الگوی رفتاری بده-بستان، نبود الگوی شایسته‌محوری، احساس بی‌پناهی برای امر اجتماعی و نبود هیجان برای انجام دادن کار اجتماعی
موانع ساختاری و قانونی	اولویت نظام اداری بر نظام تخصصی، ماندن مسئولیت اجتماعی در حد یک اصطلاح و قوانین ارتقا

زمینه تاریخی: زمینه تاریخی شکل‌گیری دانشگاه در کشور ایران هرچند مبتنی بر نیاز بوده، اما ویژگی فن‌گرایانه این نیاز، فاصله دانشگاه را از بدنه اجتماعی و فرهنگی افزایش داده است. در سیر تطور دانشگاه در ایران، فلاح و سیاست نیازهای اولیه‌ای بود که پشتوانه شکل‌گیری شد. در عین حال، انواع جنبش‌ها،



حضور دانشگاهیان در دستگاه سیاست و سایر موارد بدون تولید ادبیات علمی، دانشگاه را از حرفه‌ای شدن نحیف و در سیاست‌زدگی فربه کرد و برچسب‌هایی را به دانشگاه و دانشگاهیان به همراه داشت. از دلایل دیگر چنین رویدادی، نبود نهادهای سیاسی حرفه‌ای در جامعه بود که به طور ناقص دانشگاه نقش آن را برعهده می‌گیرد و دوگانه استاد - دانشجو در عرصه اجتماعی ایجاد فضای سازگاران و مفاهمه را با نقص مواجه کرده است.

کمیت‌گرایی: به دلیل افزایش تعداد دانشجویان در مقاطع مختلف تحصیلی و متوازن نبودن نسبت اعضای هیئت علمی و نیز کیفیت منابع انسانی، تعامل مؤثر استاد با دانشجو را که در محیط رسمی و غیررسمی عامل اصلی تربیت، غنای فرهنگ، بهره‌مندی از مشاوره‌های کارآمد و یادگیری مؤثر است، تحت تأثیر قرار داده است. از سوی دیگر، اعضای هیئت علمی متعهد که خدمت‌رسانی به دانشجو و تربیت متعهدانه را نخستین وظیفه حرفه‌ای خود می‌دانند، با کمبود زمان برای پرداختن به سایر وظایف در سطوح مختلف و تنوعات عملکردی و نیز دغدغه‌های اجتماعی دیگر مواجه می‌شوند. به نظر می‌رسد در چنین شرایطی نه دانشجو منتفع می‌شود و نه جامعه و نه عضو هیئت علمی.

موانع فرهنگی: به دلیل نبود مصونیت، اعضای هیئت علمی به سمت محافظه‌کاری سوق داده و به حفظ وضعیت موجود با انتخاب گوشه امن ترغیب می‌شوند و مهم‌ترین وظیفه دانشگاهیان که نقادی، حقیقت‌جویی و اصلاح کج‌فهمی‌های نظری و عملی است، از نظر دور می‌ماند. در چنین شرایطی مسئولیت اجتماعی معنای خود را از دست می‌دهد و احساس ناتوانی در حل مسائل یا منفعت‌طلبی شخصی را جایگزین «فضیلت مدنی به‌عنوان خمیرمایه کنش‌های ناب مدنی» (مشارکت‌کننده شماره ۳۱) می‌کند. علاوه بر این، ویژگی‌های جنسیتی، قومیتی و عقیدتی گاه مانعی بر سر راه اعضای هیئت علمی است که فعالیت اجتماعی آنان را با ایجاد سقف شیشه‌ای محدود می‌کند.

موانع ساختی: نبود بینش وسیع در خصوص وظایف، نقطه آغاز گریز از مسئولیت اجتماعی است. گاه عضو هیئت علمی بین صلاحیت عضویت با بالندگی زیست حرفه‌ای تمایزی قایل نمی‌شود. بخشی از این برداشت، به نبود آگاهی، داشتن الگوهای ناصواب یا یادگیری از فضای رایج بر می‌گردد که کنشگری اجتماعی را وظیفه نمی‌شناسد. حال آنکه فرای این، ایجاد ارتباط بین دانشجو و جامعه از وظایف دانشگاه و دانشگاهیان به‌شمار می‌آید که در قالب مواد درسی یا محتوای پژوهشی یا فوق برنامه دانشجویی قابل تحقق است. به گفته مشارکت‌کننده شماره ۲۱، «دانشجو باید ارتباط بین اتفاقی باشد که در جامعه‌اش می‌افتد و دانشگاه حس کند که این برعهده دانشگاه و هیئت علمی است. اینکه دانشجو را بر اساس چارچوب شخصی به نوشتن پایان‌نامه‌ها یا موضوعات از پیش تعیین شده تشویق می‌کنیم، درست نیست. در صورتی که می‌توان دانشجویان را حساس کرد که مسائل جامعه ما چه چیزی است؟».

موانع انگیزشی: نگاه از بالا به پایین و سیاست‌های بیش از حد دیکته شده دولتی که فعالیت خودجوش و داوطلبانه را نادیده می‌گیرد، شوقی برای ایجاد فضای کار خصوصی نمی‌گذارد. علاوه بر این، هزینه‌های عمدتاً سیاسی بار شده بر نهادهای مردمی به‌ویژه در حیطه محیط زیست، انگیزه پویای جمعی برای ورود

به چنین فعالیت‌هایی را می‌کاهد؛ یعنی علاوه بر آنکه اهمیت کار چنین افرادی دیده و ارزشی بر آن نهاده نمی‌شود، بلکه با قواعد بده-بستان رایج منافات دارد. موانع ساختاری و قانونی: دانشگاه برای ایجاد زمینه مشارکت اجتماعی نیازمند رفع موانع ساختاری است. ایجاد تعامل پویا فارغ از بروکراسی ناشایست اداری درون دانشگاه و فراهم کردن ارتباطات منعطف با سایر ذینفعان و نهادهای مدنی و اجتماعی بیرون دانشگاه فضای مطلوبی را برای ارتقای فعالیت اعضای هیئت علمی ایجاد می‌کند. چنین ادعایی نیازمند کنشگری فعال است که با انعطاف و شفافیت در قوانین میسر می‌شود. چرا که «قواعد کاری سنگ بنای تحولات اجتماعی است و قوانین و مقررات حرکت جامعه را مشخص می‌کند. لازم است تدوین قواعد کاری بر اساس دموکراسی دوسویه باشد، نه پشت درهای بسته» (مشارکت کننده شماره ۳۷).

**پیامدها:** پیامدهای مسئولیت اجتماعی در نظر مشارکت‌کنندگان در چهار بخش عمده کاهش هزینه تصمیم، کاهش مرارت‌های بشری، بهبود کیفیت کارکردهای دانشگاه و افزایش سرمایه‌ها (انسانی، فرهنگی و اجتماعی) قابل بررسی است. جایگاه دانشگاه در مسائل اجتماعی از نوع تصمیم‌سازی است که در این صورت، اگر جامعه مبتنی بر مرجعیت علم و عقلانیت حرکت کند، هزینه اجرای تصمیم اخذ شده کاهش خواهد یافت، چرا که نه تنها منافع عمومی در اولویت قرار خواهد گرفت و اقدام فراقنشی و پیشگیرانه شکل می‌گیرد، بلکه پیامد به جامعیت نزدیک خواهد شد. چنین فرایندی نیازمند اعتماد متقابل است که به سرمایه‌گذاری منتهی می‌شود و سرمایه انسانی، اجتماعی و فرهنگی را تقویت می‌کند. چرا که «اگر جامعه از تحصیل و تحقیق عضو هیئت علمی استفاده نکند و به آن اهمیت ندهد، به مرور احساس سرخوردگی می‌کند. لازم است دانشگاه احساس کند که حرف خودش و اعضای هیئت علمی‌اش شنیده می‌شود» (مشارکت‌کننده شماره ۶). بنابراین، حداقل این مشارکت، اگر به جلوگیری یا درمان منتهی نشود، با ایجاد فضای انسانی و افزایش آگاهی، مرارت‌ها و دردهای اجتماعی کاهش و کیفیت زندگی شهروندان افزایش خواهد یافت، چرا که محصول پژوهش متعهدانه، قابلیت حل مسائل نظری و عملی را دارد و آموزش را غنی می‌کند. محصول کلاس درس متعهدانه، یادگیرنده حساس به مسائل نظری و عملی اجتماعی (در سطوح مختلف خرد و کلان) است که با رعایت اخلاق و تفکر انتقادی به‌عنوان شهروند فعال حضور می‌یابد و به زندگی بهتر خود و دیگران اهتمام دارد. محصول خدمات متعهدانه و مشاوره‌های مبتنی بر علم با پشتوانه‌های پژوهشی، به تصمیم‌سازی و بهبود عملکرد در سطوح مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی می‌انجامد. بنابراین، کارکردهای آموزش عالی که در خدمت یکدیگر و به هم نیازمندند، با مشارکت اعضای هیئت علمی می‌توانند یادگیری شناختی، مهارتی و عملکردی بهینه و پایدار را به ظهور برسانند. از مهم‌ترین پیشفرض‌هایی که رابطه بین دانشگاه و جامعه (در هر سطحی) را می‌تواند برقرار سازد، ایجاد اعتماد است تا به سرمایه اجتماعی آسیب دیده کمک کند. شواهد نشان می‌دهد که شبکه‌سازی راهبردی و بهره‌مندی از رهبران دانشگاهی اثرگذار در مسئولیت اجتماعی اجتناب ناپذیر است که پایه آن بر اصل

اعتماد و انسجام است. از سوی دیگر، برای شناخت دوسویه جامعه و دانشگاه از یکدیگر و مسئله‌یابی برای رفع نیازها، جریان اطلاعات ضرورت دیگری است که باز به ایجاد اعتماد نیازمند است. نبود سرمایه اجتماعی که خود یکی از دلایل ناتوانی در بهره‌مندی از سرمایه انسانی است و با هویت‌یابی ارتباط دارد، نیازمند شناخت صحیح هنجارهای اجتماعی (شامل صنعت و ...) در دانشگاه و برعکس است. یکی از فعالان نهادهای مدنی، در یکی از پنل‌ها، گله از جامعه دانشگاهی را چنین بیان می‌کند: «نهادهای مدنی دارای برنامه هستند، ما کنار جامعه کار کرده‌ایم. به نظر بنده آسیب بزرگ مشارکت دانشگاه، مقطعی و بدون برنامه‌ریزی بودن است، زیرا ما چندین دفعه وارد گفت‌وگو شدیم. آیا اساتیدی که در این جمع حضور دارند به ما تضمین خواهند داد که این کار مقطعی نیست؟» (مشارکت کننده شماره ۱۹). این شاهد مثال نشان می‌دهد که اگر دانشگاه متعهدانه در برنامه راهبردی خود مشارکت اجتماعی را در نظر بگیرد و بر آن اهتمام ورزد و درصدد کسب رضایت ذینفعان باشد، به تدریج مفید بودن حضورش در جامعه تثبیت خواهد شد و جامعه به‌عنوان مرجع به او رجوع خواهد کرد.

### بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس مصاحبه با مطلعان کلیدی و خبرگان و کاوش تجارب، نگرش‌ها و کنش‌ها، به نظر می‌رسد که عوامل متعددی در شکل‌گیری چنین رویکردی اثر داشته است که از جمله می‌توان به زمینه‌های خانوادگی، آموزش‌های نهاد علم از مدرسه تا دانشگاه و روحیه دوستانی که همنشین فرد بوده‌اند، اشاره کرد. دیگر عوامل مؤثر علی‌نهاد آموزش عالی که زمینه اعتماد و شکل‌گیری سرمایه اجتماعی را فراهم می‌کند، عبارت‌اند از: ارزش نهادن به آزادی علمی، تأمین امنیت اعضای هیئت علمی برای حضور داوطلبانه در عرصه‌های مختلف، نهادینه کردن اخلاق (فارغ از قوانین و دستورالعمل‌ها)، هویت‌بخشی به دانشگاه به‌عنوان نهاد علم و مسئله‌گشا در سطوح مختلف حاکمیتی و اجتماعی و جاری‌سازی مسئولیت اجتماعی در برنامه استراتژیک دانشگاه و در اولویت قرار دادن آن. در همین خصوص، رفع موانع فرهنگی و احساس ناکارآمدی که از چنین رویکردی وجود دارد و برخی از اعضای هیئت علمی نه تنها پیامد ارزشمندی برای آن متصور نیستند، بلکه نگران برچسب‌ها و از دست دادن امتیازات نیز هستند، ضرورت دارد. ارتقای کیفیت، حرکت به سوی نگاه انسانی و ارزش نهادن به فناوری نرم، اصلاح آنچه در سابقه تاریخی دانشگاه ایرانی حک شده و با کمیت‌گرایی در آمیخته، از دیگر الزاماتی است که می‌تواند موانع ایجاد شده در مسیر تحقق چنین رویکردی را بکاهد.

در شرایط کنونی بر اساس طیف هازلکرن (Hazelkorn, 2017)، دانشگاه‌های ایران در مرحله جنینی و در مواردی در حال پدیداری هستند که فعالیت‌های فردی بروز و ظهور دارند و هنوز نهادی نشده است. بنابراین، نقش کنشگران در این میان اهمیت بسزایی دارد. آنچه در واقع نیز مشاهده می‌شود، مؤید همین مدعاست. آنچه به‌عنوان پدیده کانونی در این تحقیق مشاهده شد، ظهور مسئولیت اجتماعی به‌صورت فردی

توسط برخی از اعضای هیئت علمی است که پس از ادراک از نقش خود و پیوندی که با مسئولیت اجتماعی احساس کرده‌اند، بدون تکیه بر نهاد دانشگاه در قالب کنشگری فعال دست به اقدام زده‌اند؛ نگرش خدمت‌رسانی به جامعه زمینه‌ای برای فعالیت‌های آنان است که چه در نقش هیئت علمی و فارغ از آن خود را متعهد می‌بینند، اما از نظر جایگاهی که برای هیئت علمی بودن و مرجعیت علمی (نه شغلی و سازمانی) قایل‌اند، به مسئولیت اجتماعی در هر حیطة (تخصصی و عمومی) اهتمام ویژه دارند. نکته جالب آن است که در این مسیر درخصوص دانشگاه چشمداشتی ندارند و فقط به همین مقدار که دانشگاه مانعی ایجاد نکند، احساس رضایت دارند و در مواردی که دانشگاه همراهی کند، ابراز امتنان می‌کنند. حال آنکه مسئولیت اجتماعی دانشگاه رویکردی نهادی است که اگر در برنامه‌های راهبردی دانشگاه وارد بشود، جریان‌سازی می‌کند که زمینه هم‌افزایی فعالیت اعضای هیئت علمی خواهد شد، نهاد علم رسمیت می‌یابد و جریان‌سازی می‌شود و پاسخگویی دانشگاه و اعضای هیئت علمی به جامعه می‌تواند فرهنگی فراگیر و قابل برنامه‌ریزی شود؛ به عبارت دیگر، سازمان‌یافتگی این رویکرد می‌تواند به انباشت سرمایه‌ها و ایجاد شبکه‌های مؤثر بینجامد. به هر حال، اعضای هیئت علمی که مسئولیت اجتماعی را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار داده‌اند، به‌عنوان رهبران کلیدی می‌توانند پیشران‌های این جریان باشند.

از تحلیل یافته‌ها آشکار است که مشارکت‌کنندگان به‌طور ضمنی و آشکار بر مسئولیت اجتماعی به‌عنوان رویکردی غالب بر فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و خدماتی اذعان دارند، به‌گونه‌ای که معتقدند بینش و انگیزه زیربنایی یا جهان‌بینی برای فعالیت‌های علمی و تحقق رسالت‌های دانشگاهی است، آن را فعالیتی داوطلبانه، بشردوستانه و دارای لذت اجتماعی معرفی می‌کنند که در قبال ذی‌نفع درونی و بیرونی جاری است و به‌علاوه، به‌عنوان استراتژی در زندگی جریان دارد؛ به‌عبارتی، آنها مسئولیت اجتماعی را ویژگی عمومی می‌دانند که هرکس در هر شأن و پست و جایگاهی که دارد، باید به آن اهتمام بورزد که به‌دلیل اثرگذاری ذاتی جایگاه اعضای هیئت علمی نیازمند توجه ویژه است. آنها به‌صورت آرزو بیان می‌کنند که رهبران دانشگاهی باید بر این اصل اهتمام داشته باشند، اما با نبود چنین رویکردی، مسئولیت را از خود و سایر اعضای هیئت علمی ساقط نمی‌دانند. چه بسا در بسیاری از موارد، با درکی که آنها از زمینه دارند و علم به آنکه اگر چنین مسائلی وارد فرایندهای قانونی و آیین‌نامه‌ای شود چه آسیب‌های احتمالی خواهد داشت، گوشه امن گزیده و علاوه بر ادای وظایف محول شده دانشگاهی، به مسئولیت اجتماعی نیز می‌پردازند، بدون آنکه اصراری داشته باشند آن را به‌طور رسمی وارد نظام دانشگاهی سازند؛ به‌عبارت دیگر، هر چند این رویکرد در زندگی شخصی و حرفه‌ای آنان جاری و ساری است، اما آن را صریح مطرح نمی‌کنند و گاهی کوشیده‌اند تا در حد امکان با یافتن شرکا و هم‌پیمانان، ایده خود را در جامعه بزرگ‌تر (گروه علمی یا دانشکده یا حتی در خارج دانشگاه و بعضاً در فضای عمومی) توسعه دهند. در این کوشش نخستین سرمایه‌گذاری‌ها با دانشجویان و محیط‌های غیررسمی و فارغ از مباحث درس و پژوهش و کلاس و ارتباطات رسمی با همکاران بوده است.

از نظر مشارکت‌کنندگان داوطلبانه بودن یا حس بشردوستانه به معنای نفی منافع اقتصادی نیست، هر چند اصل بر منافع اجتماعی (ذی‌نفع درونی و بیرونی، فردی یا سازمانی) قرار دارد. بنابراین، اگر دانشگاه به‌صورت سازمانی و اصولی این رویکرد را در برنامه‌های کلان خود وارد و دغدغه خود کند، به جنبه بُرد سه‌سویه برای اعضای هیئت علمی، دانشگاه و جامعه منجر می‌شود. اگر دانشگاه اجتماعی شود، می‌تواند بین منافع فردی، اجتماعی و سازمانی ارتباط معنادار برقرار سازد که این هم‌افزایی به مشارکت بهینه منتهی خواهد شد؛ به عبارتی، مسئولیت اجتماعی دانشگاه مفهومی نهادی است که با مشارکت اعضای هیئت علمی و سایر ذینفعان قوام می‌یابد. هر چند اعضای هیئت علمی با رویکرد مسئولیت اجتماعی چنانچه در حوزه مدیریتی دستی داشته‌اند، در نهادینه کردن آن کوشیده‌اند؛ نمونه‌های مشاهده شده در بررسی حاضر بر اثربخشی رهبران دانشگاهی در این فرایند صحنه می‌گذارد.

در نهایت، از تحلیل نتایج می‌توان مسئولیت اجتماعی را چنین تعریف کرد: «مسئولیت اجتماعی دانشگاه انتظاری هنجارین از دانشگاه به‌عنوان نهاد اجتماعی است که به نیازهای حال و آتی ذینفعان درونی و بیرونی، رفاه اجتماعی، کیفیت زندگی، برابری بخت‌های زندگی، رفع آسیب‌های اجتماعی و زیست‌محیطی، صلح و همزیستی و پایداری توسعه توجه می‌کند و کارکردهای آموزشی، پژوهشی، خدمات تخصصی و سایر کارویژه‌های خود را به پاسخگویی اجتماعی به انتظارات اجتماعی یادشده معطوف می‌دارد. دانشگاه بدون مشارکت مؤثر و همه‌جانبه اعضای هیئت علمی و کارکنان خود نمی‌تواند مسئولیت اجتماعی خود را انجام دهد».

تعریف ارائه شده با تعاریف ریزر (Reiser, 2008)، آرنزن (Arntzen, 2009)، واسلیسکو و همکاران (Vasilescu et al., 2010)، والایس (Vallaey, 2013) و شفایی و همکاران (Shafaei et al., 2017) همسویی دارد، از آن سو که آنها از نظر طیف توسعه دانشگاه ایرانی را در مرحله جنینی یا در مواردی در حال پدیداری می‌دانند، بر مشارکت مؤثر افراد تأکید می‌کنند و مسئولیت اجتماعی را انتظاری هنجارین می‌دانند که در شرایط کنونی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است تا نهاد علم، جامعه را به سوی عقلانیت توأم با اخلاق سوق دهد. از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به تمرکز بیشتر بر دیدگاه اعضای هیئت علمی اشاره کرد که این تمرکز به شهر تهران و دانشگاه‌های دولتی اختصاص یافته است.

## پیشنهادها

بر اساس یافته‌های پژوهش برای آنکه مسئولیت اجتماعی به سمت نهادینه شدن در دانشگاه سوق یابد، راهبردهای پیشنهادی در سه سطح کلان شامل سیاست‌های حکمرانی و دولت، سطح میانی شامل مدیریت دانشگاه و گروه‌های علمی و سطح خرد کنشگران به‌خصوص اعضای هیئت علمی به شرح زیر است:

## در سطح کلان

در زمینه تقویت شرایط علمی

- احترام به اصل آزادی علمی و ایجاد مصونیت اعضای هیئت علمی به عنوان دیده بان اجتماعی؛
- ایجاد سازوکار نظارتی بر اجرای قواعد کاری مانند اخلاق حرفه‌ای، حقوق بشر و شهروندی، عدالت و دوری از هرگونه تبعیض و ...؛
- رجوع به متخصصان دانشگاهی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری؛
- گسترش فرهنگ نیکوکاری در جامعه به عنوان ارزش همیشگی و نه مقطعی؛
- فرهنگ‌سازی اهمیت مسئولیت اجتماعی با آگاهی دادن و ایجاد حساسیت از طریق آموزش خانواده، مهدکودک، مدارس و غیره با استفاده از ظرفیت رسانه.

در خصوص اصلاح زمینه و متغیرهای مداخله‌گر

- اصلاح آیین‌نامه ارتقا و توجه بیشتر به مسئولیت اجتماعی و همکاری با سمن‌ها و NGOها و پرداختن به مشکلات اجتماعی و ارائه راهکار حرکتی به سمت دانشگاه مسئول؛
- توجه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به ارتباط دانشگاه با سمن‌ها و انجمن‌های علمی و جامعه در رتبه‌بندی و ارزیابی عملکرد دانشگاه و وزن‌دهی مناسب به این شاخص عملکردی؛
- شناسایی افراد و نهادهای مؤثر در مسئولیت اجتماعی، ایجاد گرنت اجتماعی برای آنان و بهره‌مندی از توانمندی و نفوذ آنها به عنوان اتاق‌های فکر و رهبری این جریان؛
- افزایش کیفیت دانشگاه و خودداری از نگاه کمیت‌گرایانه و ابزاری به دانشگاه و نهاد علم.

### در سطح میانی

در زمینه تقویت شرایط علمی

- ایجاد دانشگاه باز و استقبال از حضور مردم در دانشگاه برای بهره‌برداری از خدمات دانشگاهیان، زمینه‌سازی حضور نمایندگان نهادهای غیردولتی در دانشگاه برای همکاری در پروژه‌ها، برگزاری نشست‌ها یا کارگاه‌های آموزشی، انتقال تجارب و غیره؛
- گسترش زمینه‌های تعاملی بین دانشگاه و نهادهای مردمی مانند شبکه‌سازی با استفاده از ظرفیت رسانه اعم از مطبوعات، فضای مجازی و سایر برای حضور اعضای هیئت علمی به منظور ارتقای سطح آگاهی، نقد و ایجاد حساسیت درباره مسائل اجتماعی؛
- تنظیم برنامه بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت و گام به گام برای استقرار مسئولیت اجتماعی در دانشگاه مانند آشنایی دانشگاهیان با عملکرد و کارکرد سازمان‌های غیردولتی، تعریف قواعد منعطف برای اعضای هیئت علمی در تعامل و ایفای نقش مسئولیت اجتماعی، ایجاد ارزش مادی و معنوی برای تعاملات هدفمند اعضای هیئت علمی با نهادهای غیردولتی، تعریف سازوکارهای حمایتی برای ایجاد نهاد غیردولتی با رویکرد حرفه‌ای یا تخصصی.

در خصوص اصلاح زمینه و متغیرهای مداخله‌گر

- اصلاح سیاست استخدام اعضای هیئت علمی با تأکید بر روحیه جمعی و ظرفیت مشارکت اجتماعی؛
- تشویق اعضای هیئت علمی و انگیزه بخشی به آنها برای حضور در فعالیت اجتماعی و تشکیل سمن‌ها و ترغیب دانشجویان به برقراری ارتباط با جامعه؛
- برگزاری فوق برنامه، پنل، نشست علمی، همایش و هم‌اندیشی با موضوعات اجتماعی برای ایجاد ارتباط میان دانشگاهیان و فعالان مدنی.

### در سطح خرد

در زمینه تقویت شرایط علمی

- ورود مسائل اجتماعی روز به محتوای آموزشی و تربیتی، پژوهشی، مشاوره تخصصی، مشارکت اجتماعی یا جهتگیری فعالیت‌ها در برنامه کاری؛
  - تشویق دانشجویان به برقراری ارتباط با جامعه از طریق ترویج کارآموزی در نهادهای غیردولتی، نوشتن مقاله کلاسی درباره موضوعات روز اجتماعی، انتخاب موضوع پایان‌نامه/رساله بر اساس نیاز جامعه، تشکیل هسته‌های پژوهشی معطوف به نیازهای جامعه و ترویج نتایج تحقیق در قالب‌های قابل فهم ذینفعان.
- در خصوص اصلاح زمینه و متغیرهای مداخله‌گر
- حضور فعالانه اعضای هیئت علمی در حوزه عمومی؛
  - آگاهی دادن و ترغیب همکاران علمی، دانشجویان و مشارکت جمعی مردمی برای بهبود و ارتقای سطح جامعه و بالا بردن انتظارات جامعه از نهاد علم.

### تشکر و قدردانی

این مقاله بخشی از یافته‌های طرح پژوهشی ملی با عنوان «مفهوم‌سازی مسئولیت اجتماعی دانشگاه در ایران و شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت اعضای هیئت علمی» است که در مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی انجام شد. از تمام کسانی که در اجرای این پژوهش همراهی کردند سپاسگزاریم، به‌ویژه از آقای دکتر مقصود فراستخواه که در تعریف مفهومی ارائه شده نقش اساسی داشتند و آقای حسین سمیعی که صمیمانه در تحلیل‌های تیمی همراهی کردند و همه مشارکت‌کنندگانی که در مصاحبه‌ها و پنل‌ها سخاوتمندانه تجارب خود را در اختیار ما قرار دادند.

### References

1. Ardalan, M.R., Ghanbari, S., Beheshtirad R., & Navid P. (2013). The effect of social capital and social responsibility on organizational commitment (case study: Razi University Employees of Kermanshah). *Measuring and Educational Evaluation Studies*, 5 (10), 109-132.

2. Arntzen, A.A.B. (2009). *Knowledge, technology and university social responsibility (USR): A conceptual framework*. Eduardo Tome (Editor). Proceedings of the 11<sup>th</sup> European Conference on Knowledge Management, 2-3 September 2010. 74-81. Retrieved from [www.books.google.com](http://www.books.google.com).
3. Bok, D. (2017). *University social responsibility: The mission of the university in today's complex world*. Translator: Armin Amir, Ali Papeli Yazdi & Maryam Alamzade, Tehran: Institute for Cultural and Social Studies, Ministry of Science, Research and Technology (in Persian).
4. Delanty, G. (2001). *Challenging knowledge: The University in the knowledge society*. Open University Press.
5. Farasatkah, M. (2016). *Social responsibility of science, apparatus problem and third place*. The First from of the Union of Social Societies of Universities, Ibn Khaldun Hall, Social Sciences Faculty, Tehran University.
6. Farasatkah, M. (2017). *Occasions of university in Iran (new and critical discussions on university of science and higher education studies)*. Tehran: Agah Publisher (in Persian)
7. Hazelkorn, E. (2017). Civic universities and engaged citizens: What is the role of higher education in the age of populism? Centre for Global Higher Education, Higher Education Policy Research Unit.
8. Hollister, R.M. (2017). *Chapter 1: The project: Theoretical framework and global institutional experience in university social responsibility and quality of life, a global survey of concepts and experiences*. Singapore: Springer
9. Iman, M.T., & Jalalian, V. (2010). Study and explain the relationship between social responsibility and social capital among youth in Shiraz. *Applied Sociology*, 21 (1), 19-42.
10. Jorge, M.L., & Pena, F.J.A (2017). Analysing the literature on university social responsibility: A review of selected higher education journals. *Higher Education Quarterly*, John Wiley & Sons Ltd. 1-28
11. Koumari, Z. (2016). The relationship between university independence and TQM with social responsibility of Tabriz University of Medical Science. (M.A. Thesis). Tabriz University.
12. Lo, C.W.H., Pang, R.X., Ergi, C. P., & Li, H.Y. (2017). *Chapter 4: University social responsibility: Conceptualization and an assessment*



*framework in university social responsibility and quality of life, a global survey of concepts and experiences.* Singapore: Springer

13. Luria, S.E., & Luria, Z. (1970). The role of the university: Ivory tower, service station, frontier post. *Daedalus*, 99, 75-83.
14. Moon, J. (2018). *Income on corporate social responsibility*. Translator: M. Sardarnia. Tehran: Business Publishing Company (in Persian).
15. Noguera J.M. (2010). University social responsibility: Methodological development proposal. Article in the GUNi.
16. Parsons, A. (2014). Literature review on social responsibility in higher education. UNESCO chair for community based research and social responsibility in higher education, 1-58.
17. Reiser, J. (2008). University social responsibility definition. Cited from <http://www.usralliance.org/resources/Aurilla-Presentation-Session6.pdf>. *Review*, 16: 691-718
18. Salehi, S., & Pazokinejad, Z. (2015). Sustainable higher education and environmental sustainability. *Journal of Iranian Higher Education*, 6 (2), 83-112 (in Persian).
19. Schwas, K. (2016). The global competitiveness report 2015-2016. World Economic Forum. Geneva.
20. Shafaei, T., Abili, Kh., & Gharmaleki, A.F. (2017). A study on recognition of the status of social responsibility based on the pattern of Valais based on the viewpoints of faculty members (case study: University of Tehran). *Journal of Iranian Higher Education*, 8(4), 79-102 (in Persian).
21. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO) (1998). World declaration on higher education for the twenty-first century, for vision and action. World conference on higher education. Paris: 9 October.
22. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO) (2009). The new dynamics of higher education and research, for societal change and development. Communique world conference on higher education. Paris: 5-8 July
23. Vallaeys, F. (2013). Defining social responsibility: A matter of philosophical urgency for universities. Article in Global university network for innovation (GUNi).

24. Vallaey, F. (2015). *University social responsibility: A mature and responsible definition, chapter II.4*. From Higher Education in the World 5: Knowledge, Engagement and Higher Education: Contributing to Social change. The 5th GUNi World Report.
25. Vasilescu, R., Barna, C., Epure, M., & Baicu, C. (2010). Developing university social responsibility: A model for the challenges of the new civil society. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 2, 4177–4182.